

سوگمندانه با این همه تلاش پر ستایش ، هنوز کتابی روشمند، کار آمد و جامع در علم رجال تألیف نشده است. ولی امید می رود که در آینده نه چندان دور ، به مدد سیستمهای رایانه ای و همّت عالمان دینی ، مجموعه ای گره گشا و علمی فراهم آید.

کتاب «مستدرکات علم رجال الحديث» مجموعه ای گران سنگ در علم رجال الحديث است که تا اندازه ای کاستی های اطلاعاتی کتابهای رجالی پیش از خود را جبران می کند. مؤلف این کتاب ، عالم ربّانی و فقیه صمدانی آیت الله شیخ علی نمازی شاهرودی (۱۳۶۴ ش) است. ایشان از شاگردان نامدار فقیه اهل البيت آیت الله میرزا مهدی اصفهانی در مشهد مقدس بود. و پانزده سال در حوزه فقهی و معارفی معظم له حضور داشته است. حاصل تلاشهای چندین ساله وی تألیف کتابهای بسیار از ، جمله دو موسوعه بزرگ مستدرک سفینه البحار (در ده جلد) و مستدرکات علم رجال الحديث (در هشت جلد) می باشد.

* * *

مرحوم نمازی در مطالعات گسترده خود که به طور عمده بر روی بحار الانوار انجام داد ، در سلسله اسناد و متون احادیث این کتاب بزرگ ، اطلاعات ارزشمند رجالی یافت که کتابهای رجالی فاقد آنها است. از این رو پنج مرتبه دوره کامل بحار الانوار را با دقت تمام، از نظر گذرانید و یافته های رجالی خود را به مجموعه پیش گفته انتقال داد. این یافته ها ، نتایج و دستاوردهای مهمی در علم رجال داشت که در اینجا فقط به دو مورد آن اشاره می شود:

۱. اسامی هزاران تن از راویان احادیث شیعه و مشایخ بزرگ در کتابهای اربعه و غیر آنها را ذکر کرده که نام آنها در کتابهای رجالی نیامده است. برای نمونه ایشان در باب میم فصل محمد، نام ۱۵۳۲ تن را ذکر کرده که هیچکدام از آنها در کتب رجال، مذکور نیست. همچنین برای سپاسداری از کار گذشتگان، مطالب آنان را درباره راویان معلوم و مشهور، تکرار نکرده و تنها به ذکر نام این دسته از راویان اکتفا نموده است .

۲. اطلاعات تازه ای درباره بسیاری از راویان ارائه می دهد که موجب توثیق، تقویت و رفع

جهالت از آنان گردیده است.

یکی از آنان حکیم بن جبلة العبدی است که در کتابهای رجالی از او با عنوان «رجل صالح» یاد کرده‌اند و مستند آنها نوشته برخی از تاریخنگاران است. مثلاً محدث نوری این عنوان را با واسطه کتاب «الدرجات الرفیعة» از تاریخنگاری نقل کرده و قرینه‌هایی را هم برای درستی این سخن آورده است. (خاتمة مستدرک الوسائل ۳۰۵/۷) اما مرحوم نمازی این عنوان را از امیر المؤمنین علیه السلام یافته و چنین نقل کرده است :

«حُکیم بن جبلة العبدی من أصحاب الرسول وامیر المؤمنین علیهما و آلهما السلام. هو الرجل الصالح بشهادة امیر المؤمنین علیه السلام كما في بحار الانوار ۱۱۳/۲۸ و ج ۹۲/۳۲. و حارب طلحة و الزبیر قبل قدوم امیر المؤمنین عليه السلام بالبصرة و قتله و اعترضه علی امیر المؤمنین عليه السلام بقولهما: استبددت برأیک عنا و رفضتنا رفض التریكة و ملکت امرک الا شتر و حکیم بن جبلة و غیرهما من الاعراب. بحار الانوار ۲۴/۳۲».

مؤلف براساس این یافته‌های ارزشمند در باره وی می‌نویسد:

«یستفاد من ذلك قوة ایمانه و کماله و أنه من رؤساء الشيعة و لاحتاج إلى اثبات صلاحه إلى الاستشهاد بقول ابن اثیر و غیره و الحمد لله رب العالمین». (مستدرکات علم الرجال ۲۴۵/۳؛ مستدرک سفینه البحار ۳۴۸/۳ و ۳۴۹)

دیگری یونس بن ظبیان است که علامه حلی قدس سره او را از راویان ضعیف شمرده و گفتار نجاشی را در ضعف وی نقل کرده است. (خلاصة الاقوال / ۲۶۶) اما مؤلف، روایتی را درباره یونس بن ظبیان گردآورده که دلالت بر وثاقت و جلالت وی می‌کند و از روایت‌هایی که موهم ضعف می‌باشد پاسخ کامل داده است. (مستدرکات علم الرجال ۳۰۱/۸)



سه دیگر، محمد بن سنان از اصحاب حضرت کاظم، رضا و جواد علیهم السلام است که رجالیان بزرگ مانند نجاشی، کشی و شیخ طوسی براساس روایت‌هایی که درباره معجزات و مقامات الهی ائمه علیهم السلام نقل کرده است، وی را غالی و ضعیف دانسته‌اند و علامه حلی در باره وی توقف نموده است. (رجال النجاشی / ۳۲۸، رجال الکشی

۳۲۲/، تنقیح المقال ۱۲۴/۳، خلاصة الاقوال / ۳۹۴)

اما مؤلف براساس مبانی خود در باب غلو، وی را ثقه جلیل، صاحب اسرار، صحیح الاعتقاد و مورد لطف ائمه علیهم السلام می داند (مستدرکات علم الرجال ۱۲۱/۷) و در معنی غلو می فرماید که آن ادعای الوهیت و ربوبیت برای پیغمبر و امام و شریک دانستن آنان در علم و قدرت خداست. و مراد از شرکت این است که پیغمبر و امام به ذات خود - بدون تعلیم پروردگار - دانا و توانا باشند. سپس می افزاید:

«همه کمالات و علوم محمد و عترت پاکیزه او صلوات الله علیهم، به تملیک و احسان پروردگار جهان و جهانیان است و آنان به ذات خود چیزی ندارند و این التزام است به مخلوقیت و محدودیت آنان... غلو و تجاوز از حد و حقیقت، به آن است که شخص منکر عبودیت و مخلوقیت آنان شود و برای ایشان مقام ربوبیت و الوهیت قائل گردد یا آنکه برای ائمه هدی مقام نبوت ادعا کند. ولیکن بعضی از کوته فکران، چون از معرفت ائمه علیهم السلام قاصرند و از ادراک غرایب احوال ایشان و عجایب شؤون آن بزرگواران عاجزند، به همین جهت بسیاری از ثقات و بزرگواران، راویان این احادیث را که غرایب معجزات را نقل کرده اند ضعیف می شمردند و نسبت به غلو می دهند. و کار به جایی رسیده که قول به آنکه پیغمبر و امام، گذشته و آینده را می داند جزء غلو دانند.

با اینکه در اخبار کثیره وارد شده که فرمودند: ما را پروردگار ندانید و دیگر هرچه خواهید بگویید و هرگز به کنه معرفت ما نخواهید رسید». (اثبات ولایت، ص ۲۲۹ و ۲۳۱ - ۲۳۳)

بدینسان صدها روایت محمد بن سنان و مانند او که در ابواب مختلف فقه و معارف نقل شده است، قابل استناد و عمل می شود. مرحوم آیت الله سید محسن حکیم قدس سره در مسئله آب کرّ می فرماید:

الظاهر جواز العمل بأخبار محمد بن سنان لثبوت وثاقته. (مستمسک العروة ۷۵/۱)

* * *

کتاب مستدرکات علم رجال از یک مقدمه، بیست و هشت باب و یک خاتمه تشکیل می شود که ابواب آن مربوط به اسامی رجال و خاتمه درباره کنیه ها و لقب ها و زنان راوی است.

مقدمه عالمانه این کتاب در هشت فصل و یک خاتمه تنظیم شده است و به نظر می‌رسد که دست اجل فرصت تکمیل نهایی آن را به مؤلف نداد. مؤلف در فصل اول تا سوم مقدمه به تعریف علم رجال، موضوع و فائده آن می‌پردازد و در ضمن آن، به این مطلب مهم اشاره می‌کند که:

«حجیت خبر، متوقف بر اطمینان به آن است و وثوق با مراجعه به احوال راوی و متن روایت به دست می‌آید؛ چه، متن روایت‌هایی مثل توحید مفضل و زیارت جامعه موجب وثوق به راوی می‌گردد. و گواه بر این مطلب، روایت حضرت کاظم علیه السلام است که می‌فرماید: هرگاه دو حدیث مختلف پیش روی داشتی آنها را بر کتاب خدا و احادیث عرضه کن. اگر به آن دو شباهتی داشتند، حق است و در غیر این صورت باطل می‌باشد». (مستدرکات علم الرجال ۷/۱)

فصل چهارم در بیان تاریخ موالید و وفیات چهارده معصوم علیهم السلام است و در فصل پنجم اصحاب اجماع را معرفی می‌کند. اصحاب اجماع آن دسته از راویان را گویند که فقیهان همگی به توثیق و درستی نقل آنها اعتراف دارند، گرچه در سلسله راویان پیش از آنان، جهل یا ضعفی از دیدگاه ما وجود داشته باشد. برخی از اینان عبارتند از: زراره، محمد بن ابی عمیر، جمیل بن درّاج و یونس بن عبدالرحمان.

فصل ششم شامل روایت‌هایی است که ائمه علیهم السلام جماعتی از راویان را ستوده یا نکوهیده‌اند. به طور مثال، حضرت صادق علیه السلام در حدیث معروف شرایع الدین، دوست داشتن اشخاصی مانند سلمان فارسی، ابوذر غفاری، مقداد، عمار و حذیفه بن یمان و... را واجب می‌شمارد. (بحار الانوار ۳۲۵/۲۲)



در فصل هفتم مبنای مهم رجالی خود را بیان می‌دارد که همان اعتبار کتابهای چهارگانه شیعه و قطعی الصدور بودن روایت‌های آنهاست. مؤلف در این باره می‌نویسد:

«پیشینیان و پسینیان از عالمان شیعی، بر درستی و صحت روایت‌های کتب چهارگانه گواهی داده‌اند، و گواهی آنان صحیح و فوق بیّنه است و معارض هم ندارد. ولی این به آن معنی نیست که می‌توان به هر حدیثی از احادیث کتابهای چهارگانه عمل کرد، زیرا آنها صدور این احادیث را قطعی دانسته‌اند نه وجه صدور آنها را. ممکن است برخی از احادیث با

قول مشهور یا اجماع تعارض کند و یا اینکه از روی تقیّه صادر شده باشد . و اگر در کتابهای فقهی برخی از احادیث کتابهای چهارگانه تضعیف شده است، مراد از آن تضعیف اصطلاحی نیست، بلکه به لحاظ مخالفت با مشهور یا اجماع ، ضعیف و مرجوح شمرده شده است». (مستدرکات علم الرجال ۳۲/۱ و ۳۴ و ۳۵)

سرانجام در فصل هشتم مواردی را بیان می کند که به واسطه آنها وثاقت و حسن راویان ثابت می شود، مانند تصریح ائمه علیهم السلام ، دعای آن بزرگواران، وکالت و قیمومت امور آنان.

درخاتمۀ کتاب، منابع و مآخذ آن را بر می شمارد و از کتابهایی نیز یاد می کند که در عصر حضور ائمه علیهم السلام به رشته تحریر در آمده است.

این کتاب در هشت جلد برای نخستین بار به سال ۱۴۱۲ هجری با اشراف فرزند برومند و دانشمند ایشان حضرت حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ حسن نمازی به زینت طبع آراسته گردید.

از مطالعه این کتاب، چنین به نظر می رسد که مؤلف دانشمند، اگر مهلتی بیشتر می یافت کتابی کاملتر از این ارائه می داد. و امید آنکه در چاپهای بعدی این کار میسر گردد. برخی از موارد قابل تکمیل و اصلاح در این کتاب به این قرار است :

۱. برای وجود عدّه ای از اشخاص یا مطالب آنها مدرکی ارائه نشده است: مانند قباح بن جلهمة الحمیری، ابو عبیده المعتزلی، ابوالعباس الحمانی، عمرو بن الجموح، زید بن خالد ابی دجّانة الانصاری، حمزة بن مصعب، مروان انصاری ابی.

۲. برخی از اسامی، امکان راوی بودن را ندارند ولی در این کتاب نام آنها آمده است مانند: محسن بن امیرالمؤمنین علیّه السلام ، محسن بن الحسین علیّه السلام و مدرکة بن الیاس از نیاکان پیامبر ﷺ و ابوطالب مکی (۳۸۶ ق) صاحب قوت القلوب .

۳. عدّه ای از اشخاص ارتباطی با علم رجال ندارند، ولی نام آنها را آورده است، از جمله اینکه می نویسد: علامه وحید بهبهانی شاگردانی داشته است که نام چهارتن از آنان مهدی است:

۱- سید مهدی بحر العلوم

۲- ملا مهدی نراقی

۳- میرزا مهدی شهرستانی

۴- سید مهدی موسوی شهید ثالث. (مستدرکات علم الرجال، ۳۹/۸)

والحمد لله كما هو اهله

علی اکبر تلافی داریانی

محدثات شیعه

مؤلف:

دکتر نهلا غروی نائینی

محدثات شیعه، نهلا غروی نائینی، تهران: دانشگاه تربیت

مدرس، ۱۳۷۵. هـ. + ۳۸۸ صفحه .

نوشتن سرگذشتنامه زنان به زبان فارسی در گذشته چندان رونقی نداشته است. در حقیقت چندان عنایتی و توجهی به شرح احوال زنان نبوده و سهم زنان در حیات بشری به گونه‌ای ملموس نادیده گرفته شده است .

یکی از قدیمی‌ترین کتبی که به شرح زنان پرداخته " جواهرالعجایب " متعلق به نیمه دوم قرن دهم (دوره صفویه) است. در این کتاب، تنها سرگذشت ۲۵ شاعر آمده است . که از مهستی شروع و به سنایی ختم می‌شود.

در طول تاریخ، نویسندگانی که به نوشتن سرگذشت زنان برجسته همت گماشته‌اند و مجموعه‌هایی نیز ارائه داده‌اند، شیوه‌های مختلفی را در تدوین آن رعایت کرده‌اند. برخی از نویسندگان، صفحات ویژه‌ای را در کتاب خود برای زنان منظور نکرده‌اند و آنها را توأم با شرح حال مردان آورده‌اند. گروهی نیز بخش جداگانه‌ای در انتهای کتاب خود برای زنان اختصاص داده‌اند. از قدیمی‌ترین آنها "الرجال" شیخ طوسی است که بعد از شمردن اصحاب پیامبر و امامان ، در انتها از تعدادی از اصحاب زن نیز یاد می‌کند. در سرگذشت نامه‌های عمومی گرچه زنان چون مردان منظور شده‌اند ، ولی تعداد آنها نسبت به مردان به طرز چشم‌گیری کمتر است.

در سال‌های اخیر، کتاب‌های نسبتاً زیادی در شرح زندگی زنان به ویژه زنان شاعر و مشهور به زبان فارسی تألیف شده است. اما سرگذشتنامه زنان شیعه به تعداد انگشت

شمار است. شماری از آنها نه تنها کامل و جامع نمی‌باشد، بلکه در آن‌ها زندگی نامه‌هایی آمده که ربطی به شیعه ندارد و حتی در وجود تاریخی آنها نیز جای تردید است.

کتاب «محدثات شیعه» کتابی است که براساس رساله دکترای نویسنده تنظیم و منتشر شده و اثری کامل و دقیق و جامع می‌باشد.

هدف کتاب، آشنایی با محدثات شیعه است. سرگذشت ۱۹۵ بانو در آن آمده که به طریقی اخذ حدیث و یا نقل روایت کرده‌اند و ملاکی بر قبول ولایت علی علیه السلام و یا اهل بیت علیهم السلام از طرف آنها یافت شده است. که از ام‌آبیه‌ها فاطمه زهرا علیها السلام شروع و به هرنیه (هرینه) ختم می‌شود.

منبع اصلی نویسنده برای استخراج اسامی بانوان حدیث، کتاب «تنقیح المقال» مامقانی است. و سپس از دیگر کتب رجالی، تاریخی و سیره اهل سنت و شیعه، این اسامی تکمیل شده‌اند.

اسامی این بانوان بر اساس نام مشهورشان در کتابها و تنظیم آن به ترتیب الفبا می‌باشد. و برای تبرک و احترام مقام والای دخت گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام با لقب ام‌آبیه‌ها، آغازگر این اسامی است.

برای هریک از اسم‌ها ابتدا نام و نام پدر، خانواده و شرح کوتاهی از زندگانی (در صورتی که نویسنده به منابع دسترسی پیدا کرده) ذکر شده و سپس خصائص اخلاقی و فضیلت آنها براساس آنچه در کتب یافت شده آمده است. در اغلب موارد نیز بخشی تحت عنوان سخنان بزرگان درباره آن شخصیت مطرح شده، که هدف، آشنایی بیشتر با خصائص و شخصیت آن بانو بوده است.

در بخش بعد نام کسانی آمده که آن راوی از آنها روایت کرده است، سپس نام افرادی که از آن راوی روایت نموده‌اند، قید شده. و آخرین بخش شامل احادیثی می‌شود که آن بانو نقل کرده است. در این قسمت، به سه حدیث اکتفا شده و احادیث بیشتر به صورت ذکر منبع آمده است.

در این تحقیق گاهی از منابع اهل سنت استفاده شده، زیرا نویسنده عقیده دارد که ذکر شواهد از کتب ایشان پذیرش حقایق را آسانتر می‌سازد.

در پایان کتاب ، ملحقات و برای بازیابی سریع مطالب ، شرح اعلام و فهرست هایی شامل فهرست آیات، فهرست احادیث، فهرست روایات و هم چنین منابع و مآخذ آمده است.

کتاب " محدثات شیعه " کتاب بسیار سودمندی برای بخش مرجع هر کتابخانه و منبع مهمی برای آشنایی با راویان حدیث رسول الله ﷺ و ائمه علیهم السلام است . بهره گیری از این کتاب مفید، به همه ، خصوصاً بانوان مسلمان توصیه می شود.

شهلا بابازاده